

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: حمید محوی

برگردان از: دکتر احمد مزارعی

۱۴ اگست ۲۰۱۲

اعضای سازمان مجاهدین خلق در شهر حلب،

علیه دولت سوریه می جنگند

اعضای سازمان مجاهدین خلق در شهر حلب علیه دولت سوریه می جنگند. دولت امریکا و ترکیه و کشورهای عربی انتقال مجاهدین به جبهه جنگ علیه سوریه را سازماندهی کرده اند. سایت "توب نیوز" که به توسط یکی از نمایندگان سابق مجلس لبنان به نام ناصر قندیل اداره می شود، می نویسد:

ده ها نفر از اعضای مجاهدین از مرز عراق وارد سوریه شده اند، دولت قطر، عربستان، و ترکیه پول و اسلحه و امکانات لازم را در اختیار آنان قرار داده تا زیر فرماندهی "ارتش آزاد سوریه" با دولت مرکزی سوریه بجنگند. در تاریخ ۲۵ تا ۲۷ جولای جلسه ای در کردستان با حضور افسران امریکائی و ترکیه ای و پیشمرگان وابسته به مسعود بارزانی و چند نفر از سازمان مجاهدین برگزار گردید و تصمیم گرفته شد که اعضای مجاهدین خلق را به جبهه داخلی سوریه بفرستند. در این جلسه قرار شد پیشمرگه ها مسؤولیت انتقال آنان به سوریه را به عهده گرفته و دولت ترکیه و شخص اردوغان نیز متعهد شده که تحت هیچ شرایطی آنان را به ایران تحویل ندهند. مسعود بارزانی نیز متعهد شد تا امکانات لجستیکی، پایگاه، و دفتر کار در اربیل در اختیار مجاهدین قرار دهد. از این پس پایگاه اصلی مجاهدین در اربیل کردستان خواهد بود. (۱) دولت امریکا و ترکیه به مجاهدین تضمین دادند که دولت قطر و عربستان مشترکا مخارج سازمان مجاهدین را به عهده بگیرند و در ابتداء ۲۵۰ میلیون دالر در اختیار آنان قرار داده و از زمان شروع شرکت در جنگ نیز ماهانه مبلغ ۱۰۰ میلیون دالر در اختیار آنان قرار دهند. این تعهد از طرف دو کشور قطر و عربستان به طور مشترک پذیرفته شده است. تصمیم دولت امریکا مبنی بر انتقال مجاهدین به اربیل برای دولت مالکی غیر منتظره بود زیرا دولت عراق نیز به تازگی مجاهدین را به کمپ لیبرتی منتقل کرده بود تا ترتیب خروج کامل آنها از عراق را بدهد. منابع آگاه گفتند که انتقال مجاهدین به اربیل و سپس به جبهه جنگ سوریه به طور تدریجی انجام خواهد شد.

زیر نویس (مترجم)

۱- رهبران کرد در عراق همیشه به کار های زشتی دست زده اند که به زیان ملت کرد بوده است. بناء به نوشته دکتر عبدالکریم سید قادر ، اکادمیسین کرد که استاد حقوق بین الملل در اتریش است ، رهبران کرد در زمان صدام حسین ماهانه مبلغ پانصد هزار دالر از اسرائیلی ها دریافت می داشتند تا به وسیله عوامل خود اسناد دولتی عراق را سرقت کرده و ترجمه آنها را به اسرائیلی ها تحویل دهند. در مورد جنگ هائی که کرد ها با دولت های مرکزی عراق به راه می انداختند ، دانیل پرت یکی از رهبران موساد در کتاب خاطرات خود به نام "از راه فریب" می نویسد : برای ما کرد و عرب و فرق نمی کرد، ما کسی را می خواستیم که در عراق با صدام حسین بجنگد و نیروهای دولت عراق را تضعیف کند و کرد ها این کار را برای ما می کردند. بنا بر نوشته دکتر عبدالکریم قادر ، حزب دمکرات کردستان عراق چندی پیش بیست نفر از اعضای رده بالای خود را برای جاسوسی به ایران می فرستد که همه دستگیر می شوند که دو نفر از آنها در زیر شکنجه کشته و بقیه به حبس های دراز مدت محکوم می شوند. باشد که ملت ستمدیده کرد بتواند با اتحاد خود دولت هائی را بر سر کار آورد که در خدمت منافع خود باشند و نه خدمتگزار بیگانگان.

پی نوشت :

گاهنامه هنر و مبارزه

حمید محوی

در مورد حمله تروریستها به حلب، دکتر امین حطیط (ستراتژیست نظامی لبنانی- باز نشسته)(۱) بر این عقیده است که حلب از دیدگاه ستراتیژی از دمشق متفاوت است، ولی معنای واحدی دارد. بر اساس تحلیل دکتر امین حطیط ستراتیژیست نظامی لبنانی به دلایل متعدد، طرح تروریستها مبنی بر اشغال حلب به نتیجه نرسید. یکی از دلایل خصوصیات جغرافیائی محلاتی بود که تروریستها هدف گرفته بودند که برای تکنیک جنگ چریکی مناسب نبود و به همین علت ارتش سوریه در دمشق بدون خسارات جانی و مادی قابل توجهی برای شهروندان بی گناه عمل کرد. در نتیجه تروریستها با آموختن چنین درسی از دمشق در محلات قدیمی پر جمعیت تجمع کردند و از مردم به عنوان سپر محافظ استفاده کردند. به همین علت ارتش سوریه در چنین وضعیتی شگرد دیگری را به کار می بندد... (۲). ولی در اینجا به طور مشخص هدفم نشان دادن چگونگی جنگ تروریستها در حلب است : گروگان گیری مردم . البته این مورد تازگی نداشته و منحصر به فرد نیست. ولی به اساس تحلیل جنرال حطیط موضوع حلب موضوعی است که تنها به زمان بستگی دارد که در آن از دیدگاه ارتش سوریه «سرعت عمل به معنای دستپاچگی، و بردباری نیز به معنای سهل انگاری نیست».

در کتابی که اخیراً توسط میشل کولن و گرگوار لالیو منتشر شده(۳)، میشل کولن چشم انداز عمومی را به این شکل ترسیم می کند : ابتداء «ستراتژی شوک» بود، بوش عراق و افغانستان را مورد حمله قرار داد. ولی شکست خورد. در نتیجه ایالات متحده سیاست جدیدی را راه اندازی کرد که «ستراتژی هرج و مرج» است. هرج و مرج از این جهت که چون که او نمی تواند تسلطش را تثبیت کند، رقبایش نتوانند در هرج و مرج جای او را بگیرند.

من فکر می کنم که این دو مورد تحلیل، دست کم برای آنهایی که بیش از همه با ادبیات رسانه های الکتروناتیو آشنائی دارند، به روشنی وضعیت عمومی و به طور اخص وضعیت مجاهدین خلق را نشان می دهد که در کجا هستند و چه می کنند. این سازمان سیاسی به ویژه از وقتی که ایران را به قصد بغداد ترک کرد و سپس شرکت در جنگ

امپریالیستی علیه مردم ایران (که علیه منافع مردم خود عراق نیز بود) شرکت کرد، کارش به پایان رسید، و از این پس تنها می توانست سیر قهقرائی را ببیماید تا این که در «کثیفترین جنگ» (۱) به گفته امین حطیط، به خدمتگذاری حاضر شود.

هرج و مرج از این بیشتر که شیعه (نباید فراموش کرد که مجاهدین نیز به نوعی یک فرقه از شیعیان به حساب می آیند) و سلفی دو آتش و القاعده که اساساً شیعیان را نه تنها مسلمان نمی دانند، بلکه ریختن خون شیعه و ایرانی را مستحب می دانند، در کنار یکدیگر برای منافع و خواست امریکا مردم عادی شهر حلب را گروگان بگیرند؟ من خوانندگان این سطور را دعوت می کنم که لحظاتی چند این صحنه را به شکل کاملاً تخیلی در سینمای تخیلی و درونی شان متصور شوند: یک ایرانی اسلحه به دست در سوریه برای براندازی بشارالاسد با دالر امریکائی شیخ قطر و آل سعود در جیب!

این فرد کیست؟ چگونه راهش به حلب افتاده است؟ چه عاملی موجب شده که بخواهد اسلحه به دست دیکتاتور یک کشور بیگانه را علی رغم خواست اکثریت مردم آن کشور، سرنگون کند؟ که مردم عادی شهر حلب یا شهر ایکس و ایگرگ را به زور از خانه هایشان بیرون بکشد که علیه دولت وقت قیام کنند و یا در پشت آنها علیه نیروهای امنیتی دولت سوریه موضع بگیرد. این فرد کیست و چگونه به این شکل درآمده است؟

با این وجود همین افراد در فرانسه پایگاه دارند. هنوز فرانسوی ها به شرکت پنهانیشان در سوریه اعتراف نکرده اند، اگر چه ۱۹ نفر از نظامیان فرانسه در چند ماه پیش از این به اسارت نیروهای ارتش رسمی سوریه درآمدند. دولت فرانسه مسؤول تمام جنایاتی است که در سوریه صورت گرفته است، اگر چه فرانسویها در این جنایت تنها نبوده اند. به همین نسبت دولت فرانسه مسؤول فعالیت های تبهکارانه سازمان مجاهدین خلق است. جای آن داشت که ایرانی ها یک اکیپ حقوقی تشکیل می دادند و از این سازمان مجاهدین به عنوان یک سازمان تبهکار به محافل بین المللی شکایت می کردند. بی جهت نبود که افرادی مانند نویسنده همین سطور را در پاریس، دستگاه دانشگاهی با خشونت از دانشگاه بیرون انداخت، تا مانعی برای این نوع طرفداران حقوق بشر که مجاهدین خلق باشند، یا سلطنت طلبان و این نوع فعالان به اصطلاح سیاسی ایجاد نشود.

ولی سکوت در مقابل فعال ساختن این سازمان تبهکار از قلب اروپا تا صحنه گروگان گیری مردم حلب اشتباه بزرگی است. زیرا این افراد به اندازه ای پسیکوتیک هستند که برای اجرای تخیلاتشان قادر به هر جنایتی می باشند. بی گمان از تکرار طرح تخریب سوریه در ایران و کشتار شهروندان ایرانی، تخریب زیربنای ایران – اگر بتوانند – هیچ شرمی نخواهند داشت.

دولت فرانسه احتمالاً از همین مجاهدین برای جاسوسی تا خصوصی ترین مسائل زندگی ایرانیان در فرانسه استفاده می کند. در هر صورت افرادی که در چنین کارهای خدماتی شرکت دارند از کثیفترین و هرزه ترین و منحرف ترین افرادی هستند که به دولت فرانسه به ازای یورو و خدمات متقابل سرویس می دهند. ایرانی هائی که در فرانسه زندگی می کنند حق دارند بدانند که چه کسانی بدون اطلاع آنها، زندگی خصوصی آنها را به ویژه از طریق اینترنت تحت کنترل دارند. در هر صورت این نوع کارها بدون همکاری قدرت حاکم ممکن نیست. نه در فرانسه و نه در جای دیگر.

پی نوشت:

(۱)

نوشتۀ دکتر امین حطیط. سوریه : ایالات متحده و تروریسم بین المللی... کارت های جدید... همان جنگ !

<http://www.afgazad.com/Siasi-12/081112-T-HM-Soria-USA-And-Inter-Terrorism.pdf>

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/261>

(۲)

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=32190>

(۳)

Michel Collon, Grégoire Lalieu. La STRATEGIE du CHAO

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۲ اگست ۲۰۱۲

ترجمه توسط دکتر احمد مزارعی

۹ اگست ۲۰۱۲

WWW.Arabi-press.com